

## جایگاه تطبیقی اسطوره‌ها در زندگی انبیای الهی و شخصیت‌های اساطیری شاهنامه با استناد بر دو نسخه قصص الانبیا و شاهنامه شاه‌طهماسبی

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی اسطوره‌های گذر از آب و آتش و اسطوره کودک رهاشده در زندگی انبیای الهی و شخصیت‌های اساطیری شاهنامه می‌پردازد. قسمت‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه مشحون از اساطیری کهن است که از باورهای اقوام قدیم ایرانی نشأت گرفته است و بازتاب این باورها و سنت‌ها، گاه در میان مردمان عصر حاضر هم دیده می‌شود. این اسطوره‌ها شامل شخصیت‌های اساطیری، باورها، اماکن، موجودات و ابزارهای اساطیری می‌باشند؛ آنچه در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود، ذکر سه مورد از اساطیر شاهنامه است که مشابه آن‌ها را در زندگی انبیای اولوالعزم الهی نیز می‌بینیم و ما برآنیم کهن‌الگوی گذر از آب و آتش و پرواز به آسمان را در میان شخصیت‌های اساطیری شاهنامه چون فریدون، سیاوش و کاووس و وجوه مشترکش را در زندگی پیامبرانی چون حضرت موسی، ابراهیم و سلیمان علیهم‌السلام بررسی کنیم. روش تحقیق در این پژوهش کیفی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی متون مختلف می‌پردازد، همچنین برای تحلیل و تفسیر از رویکرد استدلالی بهره گرفته شده است. نتیجه اینکه بن‌مایه‌های اساطیری مشاهده شده در زندگی پیامبران الهی به داستان‌های اساطیری ایران از جمله «شاهنامه فردوسی» راه یافته و می‌توان رد پای برخی از آیین‌های اساطیری مشابه‌ها را در زندگی پیامبران و شخصیت‌های اساطیری شاهنامه یافت.

### اهداف پژوهش:

۱. شناخت اسطوره گذر از آب و آتش و کودک رهاشده و نمونه‌های آن در زندگی پیامبران الهی.
۲. مقایسه اسطوره گذر از آب و آتش و کودک رهاشده در میان شخصیت‌های اساطیری شاهنامه و زندگی پیامبران.

### سؤالات پژوهش:

۱. جایگاه کلی اسطوره در میان شخصیت‌های اساطیری شاهنامه و پیامبران الهی چگونه بوده است؟
۲. وجوه مشترک اسطوره گذر از آب و آتش و پرواز به آسمان در میان شخصیت‌های اساطیری شاهنامه و پیامبران الهی به چه شکلی بوده است؟

**کلیدواژه‌ها:** قصص الانبیا، شاهنامه، اسطوره گذر از آب و آتش، اسطوره کودک رهاشده.

## مقدمه

واژه اسطوره معادل کلمه لاتین "Myth" است که از ریشه "Mouth" گرفته شده، به معنای دهان و روایت لغت‌شناسان انگلیسی برای این واژه دو معنی دارند: ۱- داستان‌های کهن؛ ۲- عقاید و نظریه‌های نادرست در سده‌های پیشین؛ اسطوره‌ها نیز دامنه افسانه‌ها دروغین، جعلی و ناچیز دانسته می‌شدند؛ به طوری که «در زمان قرن نوزدهم، هر چیزی که با واقعیت در تضاد باشد، اسطوره نامیده می‌شد» (الیاده، ۱۳۸۲: ۵۲). در واقع از قرن نوزدهم میلادی بیشتر به اسطوره توجه داشته و آن را فانتزی یا داستانی شاعرانه می‌دانستند؛ درحالی‌که انسان‌های اولیه بین اسطوره و افسانه تمایز قائل بودند (اسماعیل پور، ۱۳۷۰: ۵۲). آن‌ها اسطوره را یک داستان واقعی و افسانه را نادرست می‌دانستند. اسطوره‌ها در سه بخش کلی تقسیم‌بندی می‌شوند: ۱- اساطیری که موضوع آن خدایان و دشمنان آن‌ها و چگونگی آفرینش جهان مادی و معنوی است؛ ۲- اسطوره‌هایی که بازمانده دوران شکل‌گیری اقوام و استقرار آن‌ها در دوران کهن و داستان‌های حماسی مربوط به ایشان است؛ ۳- اساطیری که مربوط به پایان جهان و زندگی در دنیای دیگر پس از مرگ است. از آنجاکه شاهنامه فردوسی محصول قرن‌ها تکامل فکر و فرهنگ و ادب مردم این سرزمین است و فردوسی در آن نه تنها به‌عنوان یک شاعر چیره‌دست، بلکه به‌عنوان یک پژوهنده ژرف‌نگر به دورترین دوره‌های تاریخ سرزمین خود سفر می‌کند و با دامنی از حماسه و ادب به جامعه و عصر خود باز می‌آید، پس بدیهی است که ردپای اساطیر ایرانی را در شاهنامه، مشاهده کنیم.

طبق تقسیم‌بندی «برتلس» شاهنامه را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد؛

۱- قسمت اسطوره‌ای: از آغاز کتاب تا پادشاهی فریدون؛

۲- قسمت پهلوانی: از قیام کاوه آهنگر تا مرگ رستم؛

۳- قسمت تاریخی: بهمن و اسفندیار تا یزدگرد سوم.

قسمت‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه مشحون از اساطیری کهن است که از باورهای اقوام قدیم ایرانی نشأت گرفته است و بازتاب این باورها و سنت‌ها، گاه در میان مردمان عصر حاضر هم دیده می‌شود. این اسطوره‌ها شامل شخصیت‌های اساطیری، باورها، اماکن، موجودات و ابزارهای اساطیری هستند؛ اما آنچه در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود، ذکر تمام اسطوره‌های شاهنامه نیست، بلکه سه مورد از اساطیر شاهنامه است که مشابه آن‌ها را در زندگی انبیای اولوالعزم الهی نیز می‌بینیم و ما برآنیم کهن‌الگوی گذر از آب و آتش و پرواز به آسمان را در میان شخصیت‌های اساطیری شاهنامه چون فریدون، سیاوش و کاووس و وجوه مشترکش را در زندگی پیامبرانی چون حضرت موسی، ابراهیم و سلیمان علیهم‌السلام بررسی کنیم. روش تحقیق در این پژوهش کیفی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی متون مختلف می‌پردازد، همچنین برای تحلیل و تفسیر از رویکرد استدلالی بهره گرفته شده است.

## نتیجه‌گیری

کتاب شاهنامه فردوسی در میان متون ادبی ایران، دارای قصه‌پردازی‌های پرهیجانی است که برخی از آن‌ها تحت‌تأثیر داستان‌های قرآن کریم و متون مقدس شکل گرفته‌اند. در این مقاله به بررسی چند اسطوره پرداخته شده که یکی از این اسطوره‌ها، اسطوره آب هست که چند تعبیر می‌توان برای آن در نظر گرفت: ۱- اسطوره آب در فرهنگ‌های متفاوت بشری، نمادی از آغاز مرحله آفرینش مادی و حرکت چرخه زندگی در ساختار کیهانی بوده است. این نقش

در خلق اولیه جهان از آب و پایان نمادین حیات در آن، جلوه‌گر شده است؛ ۲- اسطوره آب مظهر جاودانگی و تداوم حیات مادی است. این نقش در اسطوره آب حیات و آب درمان‌بخش، نمادینه شده است؛ ۳- سومین نقش آب در اساطیر، در اسطوره گذر از آب (آزمون آب) و شستشوی نمادین توسط آن (اسطوره تمهید) جلوه‌گر شده است که به‌عنوان آزمونی از ماده برای پالایش روح، عبور از مرحله کهن و ورود به مرحله متعالی جدید را در قلب الگوی مرگ و تولد دوباره، نمادینه می‌کند. گذر از آتش به باور ایرانیان باستان دارای دو تعبیر بود در دنیای مادی که برای قضاوت و داوری و برای اثبات بی‌گناهی فرد انجام می‌شد در دنیای اخروی که برای به مجازات رساندن گناهکاران نظر استفاده می‌شد. از این‌رو، شاید بتوان گفت داوری با آتش که در دنیای ماده انجام می‌شود نمادی از داوری جهان اخروی باشد، طبیعی است که این آتش از ویژگی‌های تعدیل‌کنندگی برخوردار است. همان‌گونه که در جهان پسین مجازات گناهکار با آتش است در دنیای مادی هم صحت و وسقم ادعاها را روشن می‌کند. در باور روایات مذهبی هم انسان‌های باایمان را اگرچه در قرقره آتش جهنم قرار دهند کوچک‌ترین اثری از سوزش در آن‌ها ایجاد نخواهد شد و چنان‌که آتش بر بدن ابراهیم کارگر نشد بر آن‌ها هم تأثیری نخواهد داشت؛ ولی کافران جاودانه در آتش می‌ماند. مقایسه آتش دوزخ با مقایسه داستان حضرت ابراهیم (ع) و همچنین مجازات گناهکار با آتش در باورهای اسلامی مشترک یافت، اینکه گذشتن از آتش بدون سوختن است که نشانه فراتر رفتن از شرایط انسان عادی است. همچنین از میان مضامین متنوع در شاهنامه و قصص قرآنی، «اسطوره کودک رها شده» است. این بن‌مایه از مضامین اصلی زندگی بسیاری از خدایان، پادشاهان، قهرمانان و پیامبران است؛ گاه این رهاکردن کودک به‌علت ترس از اشخاصی است که جان او را تهدید می‌کردند و گاه این دوری از خانواده برای سپردن کودک به مربی و استادی کارآموده است که او را برای پذیرش وظایف آینده‌اش تربیت کند، گاه نیز خانواده به دلیل وجود نقایص جسمی یا اینکه بودن کودک را برای بقای حکومت یا زندگی خودشان تهدیدی می‌دانستند وی را رها می‌کردند، اما به‌هرحال تمام این رهایی‌ها به بازگشت شکوهمندانه کودک رها شده در بزرگسالی می‌انجامد.

### فهرست منابع و مآخذ:

- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۶). از اسطوره تا حماسه. تهران: معین.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۷۶). زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه. تهران: نشر آثار.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم، (۱۳۷۵). اسطوره آفرینش در آیین مانی. تهران: فکر روز.
- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۱). تاریخ اساطیر ایران. تهران: سمت.
- انوری، حسن. (۱۳۸۶). فرهنگ بزرگ سخن. جلد ۱، تهران: نشر سخن.
- انوشه، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ‌نامه ادب فارسی. جلد ۲، تهران: وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
- اوداینیک، ولودیمیر والتر. (۱۳۷۹). یونگ و سیاست. ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.
- ایونس، ورونیکا. (۱۳۷۳). اساطیر هند. ترجمه باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۵). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه: جلال ستاری، تهران: نشر سروش.
- حسن‌زاده، شهریار. (۱۳۹۵). «واکاوی سیروسفر آسمانی در مثنوی». عرفان اسلامی، دوره ۱۳، ۵۰، ۲۲۰-۱۸۸.

- دادگی، فرنیغ. (۱۳۶۹). بندهشن؛ ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۸۴). اوستا، گزارش و پژوهش. ۲ جلد، چاپ نهم، تهران: مروارید.
- رأس، آلن أ. (۱۳۷۵). روان‌شناسی شخصیت. ترجمه سیاوش جمال‌فر، چاپ دوم، تهران: روان.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۱). دانشنامه ایران باستان. تهران: سخن.
- روحی برندق، کاووس و صفری، علی. (۱۳۹۵). عروج حضرت عیسی علیه‌السلام؛ دیدگاه‌ها، چالش‌ها و رویکرد نو به مسئله شایست‌نشیست؛ ترجمه کتابیون مزداپور، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طبرسی، ابوعلی. (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. ج ۴، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵). شاهنامه فردوسی. به کوشش سعید حمیدیان، چاپ سوم، تهران: قطره.
- قائمی، فرزاد؛ محمد، ابوالقاسم قوام و یاحقی، جعفر. (۱۳۸۹). «تحلیل نقش نمادین اسطوره آب و نموده‌های آن در شاهنامه فردوسی براساس روش نقد اسطوره‌ای». جستارهای ادبی، ۲(۱۶۵)، ۱.
- مجلسی، محمدباقر. (بی‌تا). بحارالانوار. ج ۱۳، بیروت: دارالاحیاء.
- مک کال، هنریتا؛ وستاسرخوش کرتیس، آن بیبرل و کارل توب، گری اورتون. (۱۳۸۵). جهان اسطوره‌ها ۲. ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- واحددوست، مهوش. (۱۳۷۹). نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی. تهران: سروش.
- ورمازن، مارتن یوزف. (۱۳۷۲). آیین میترا. ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران: چشمه.